



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

جبر و تفویض الله

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
 أعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم.
 الصلاة والسلام على رسولنا محمد سيد الأولین والأخرین،
 مدد یا رسول الله، مدد یا ساداتی أصحاب رسول الله، مدد یا مشایخنا،
 شیخ عبدالله الفانز الداغستانی، شیخ محمد ناظم الحقانی، دستور.
 طریقتنا الصحبة والخیر فی الجمعیة.

بسم الله الرحمن الرحیم

وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ

"کسی نمی داند در کدامین سرزمین می میرد." (سوره لقمان: ۳۴) الله به هر کس یک طول عمر اختصاص داده، و الله می داند چه زمانی آن به آخر خواهد میرسد. هنگامی که الله عز و جل چیزی بخواهد، پیش می آید. در حال حاضر برخی مردم می گویند که پس از مرگ، "چه کسب و کار آنجا داشت زمانی که او مرد؟" یک تصادف بود، اتفاقی افتاد، یک وقوع. این آیه شریفه می گوید: "هیچ انسانی، نفس، نمی داند جای که آن خواهد بمیرد."

چون هر چیزی یک جای دارد که از پیش الله تعیین کرده. آنها باید آنجا وجود داشته باشند تا از این دنیا بروند. بنابراین، الله به ما یک زندگی خوب عطا کند. باید الله را شکر کنیم که زنده هستیم. دستور او را اطاعت کنیم. الله دستورهای خوب می دهد. او می گوید، "کار بد انجام ندهید، خوبی را انجام بدهید، و مهربانی." اجازه دهید این کار را انجام بدهیم.

نامناسب است بگویند، "این اتفاق نمی افتاد اگر آنجا بودم." به این ترتیب شما به جبر و تفویض الله احترام نشان نمی دهید. البته آن دردناک است وقتی که او یک خانواده دارد، اما خوب نیست اینطوری در مورد افراد دیگر صحبت کردن. این یعنی که الله نشان داد کجا این افراد می میرد و او در آنجا مرد. یک داستان در مورد این موضوع وجود دارد. نه یک قصه اما یک داستان که واقعی است. آن که میخوایم تعریف کنیم در روز های قدیمی اتفاق افتاد.

در زمان حضرت سلیمان علیه السلام، یک فرد با او بود. عزرائیل علیه السلام به شکل یک مرد آمد. وقتی که مرد او را دید، او از عظمتش وحشت شد، او وحشت زده بود. او پرسید به سلیمان علیه السلام، "این چه کسی است؟" او جواب داد، "عزرائیل علیه السلام." "چی؟!!" او گفت. عزرائیل علیه السلام در حیرت آن مردم را نگاه کرد و گفت، "آمدم که روح این مرد را بگیرم." پس آن مرد به سلیمان علیه السلام گفت، "مرا دور از اینجا ببر که نجات باشم."



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

او را به قدس فرستاد. عزرائیل علیه السلام روح او را در آنجا گرفت. سپس سلیمان علیه السلام به عزرائیل علیه السلام گفت، آه!، شما بسیار شگفت زده شد. "او جواب داد، "شگفت زده شدم چون قرار نبود روح این مرد در اینجا بگیرم، بلکه در قدس. شگفت زده شدم که چرا این مرد در اینجا بود. سپس جن ها او را با دعا شما در قدس بردن. و روح او را در آنجا گرفتیم. فرمان الله انجام شده می شود."

بنابر این هیچ چیز مثل، "اگر آن مرد یک ثانیه قبل یا پس از گذشته بود." وجود ندارد. این جبر و تقویض خداوند است. طول زندگی در دست الله است. الله آن را نه یک ثانیه جلو نه یک ثانیه عقب می برد، که الله به ما یک زندگی خوب عطا کند. با این حال، همانطور که گفتیم، عمر ما با ارزش است، زمان با ارزش است. اجازه دهید ما آن را در بیهوده صرف نکنیم. انشاءالله کارهای که الله (جل جلاله) با حضرت پیامبر (ص) دوست دارند انجام بدهیم. انشاءالله به همه ما زندگی خوب عطا کند.

و من الله التوفیق.
الفاتحه

حضرت شیخ محمد محمت عادل
۲۰ جمادی الآخر ۱۴۳۷، درگاه اکبابا، فجر